




Dating of the 36th Verse of Sura Al-Aḥzāb Based on the Evaluation of Asbāb al-Nuzūl Narrations

Mojtaba Aqajani 

PhD student of Quranic Sciences and Hadith,
University of Mazandaran, Babolsar, Iran
(corresponding author: m.aghajani14@gmail.com).

Sayyed Mohsen Musavi 

Assistant Professor, Department of *Qurān* And Hadith Studies,
University Of Mazandaran, Babolsar, Iran

Mohsen Nouraei 

Associate Professor, Department Of Qur`an And Hadith Studies,
University Of Mazandaran, Babolsar, Iran

Abstract

According to verse 36 of Sura Al-Aḥzāb, no believing man or believing woman should stand before God's decree, because whoever disobeys God and His Messenger has gone astray. Suyūṭī has narrated three narrations about this verse in "Lubāb Al-Nuqūl". In the first two narrations, the Prophet proposes Zaynab bint Jaḥsh to Zayd, but she gets angry and refuses the Prophet's order, and this behavior of hers causes the revelation of the verse. However, according to the third narration, after the Prophet's proposal to Umm Kulthūm bint Uqba for Zayd, she and her brother stand against the Prophet's command, which leads to the revelation of the verse. Historical evidence shows that these two events had a significant time gap from each other and due to this difference, the sum of two narrations for one verse will be accompanied by doubts. The current research tries to date the time of events and the revelation of the verse with a descriptive-analytical method and focusing on historical reports. The history of the events shows that the revelation of the verse is ruled out due to the behavior of Umm Kulthūm, because he was not present in Madinah at that time. But the marriage date of Zayd and Zaynab is more compatible with the revelation of the verse.

Keywords: occasion of revelation, dating, Lubāb Al-Nuqūl, Al-Aḥzāb: 36.

Original Research


Received: 10/ 1/ 2024, accepted: 27/ 1/ 2024, and published: 27/ 1/ 2024, Pages: 55-76.

Publisher: Mashhad Faculty of University of Quranic Theology and Awareness.

Print ISSN: 2783-5294

Online ISSN: 2783-5308

Open access in web address: <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

 DOR: 20.1001.1.52942783.1402.4.1.2.2

NOTE: Latin transliteration of the bibliography is included in the final pages of this article.



تاریخ‌گذاری آیه ۳۶ سوره احزاب بر پایه سنجش روایات سبب نزول

مجتبی آقاجانی ^{ID}

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران،
بابلسر، ایران (نویسنده مسئول: m.aghajani14@gmail.com).

سیدمحسن موسوی ^{ID}

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

محسن نورائی ^{ID}

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

چکیده

بر اساس آیه ۳۶ سوره احزاب هیچ مرد و زن مؤمنی نباید در برابر حکم الهی بایستد زیرا هر که از خدا و پیامبرش نافرمانی کند سخت در گمراهی افتاده است. سیوطی در *لباب النقول* برای این آیه سه روایت سبب نزول نقل کرده است. در دو روایت نخست پیامبر زینب بنت جحش را برای زید خواستگاری می‌کند، اما وی از امر پیامبر سر باز می‌زند و این رفتار او موجب نزول آیه می‌شود. بر اساس روایت سوم پس از خواستگاری پیامبر از ام کلثوم بنت عقبه برای زید، او و برادرش در برابر امر پیامبر ایستادگی می‌کنند که این رفتار آنها نزول آیه را در پی دارد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که این دو رویداد از یکدیگر فاصله زمانی قابل توجهی داشته و با توجه به این اختلاف، جمع دو روایت با تردیدهایی همراه است. پژوهش حاضر می‌کوشد با روشی توصیفی-تحلیلی و با محوریت گزارش‌های تاریخی، زمان رویدادها و نزول آیه را تاریخ‌گذاری کند. تاریخ وقوع رویدادهای نشان می‌دهد نزول آیه به سبب رفتار ام‌کلثوم منتفی است، زیرا وی در این هنگام در مدینه حضور نداشته است اما تاریخ ازدواج زید و زینب با نزول آیه هماهنگی بیش‌تری دارد.

کلیدواژه: سبب نزول، تاریخ‌گذاری آیات، *لباب النقول* سیوطی، احزاب/۳۶.

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰، پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۷، نشر: ۱۴۰۲/۱۱/۷، صفحه ۵۵ تا ۷۶.

ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی مشهد)

شاپای چاپی: ۵۲۹۴-۲۷۸۳

شاپای الکترونیکی: ۵۳۰۸-۲۷۸۳

دسترسی آزاد: پایگاه اینترنتی <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

DOR: 20.1001.1.52942783.1402.4.1.2.2

درآمد

یکی از رایج‌ترین روش‌های فهم معانی برخی از آیات قرآن مراجعه به روایات سبب نزول ذیل آن آیه است. سبب نزول در حقیقت رویدادی است که ارتباط تنگاتنگی با زندگی پیامبر و صحابه دارد و آیه یا آیاتی از قرآن در پی آنها نازل شده است. به عقیده برخی از عالمان مسلمان پی بردن به معانی برخی از آیات، بدون توجه به روایات سبب نزول امکان پذیر نخواهد بود (بنگرید به: سیوطی، *لباب النقول*، ۸). آشنایی با این روایات، شناخت حکمت و فلسفه احکام و قوانین قرآن، رفع ابهام از معنای آیه، رفع توهم حصر و آشنایی با مصداق یا مصداقی خارجی آیه را در پی خواهد داشت (بنگرید به: سیوطی، *الاتقان*، ۱/ ۱۲۳-۱۲۰).

به همین سبب عالمان مسلمان عنایت ویژه‌ای به روایات اسباب نزول داشتند و در این زمینه آثار مستقلی تالیف کردند. از جمله مهمترین آنها می‌توان از کتاب «اسباب النزول» واحدی نیشابوری و *لباب النقول فی اسباب النزول* سیوطی نام برد. اما با همه تلاش‌ها و اهتمامی که دانشمندان مسلمان برای جمع‌آوری روایات سبب نزول داشتند، این روایات نیز همچون سایر روایت‌ها از آسیب‌هایی مانند جعل، تحریف، اجتهاد صحابه و ... در امان نمانده است. از همین رو وضع قوانین و معیارهایی برای تشخیص صحیح از سقیم در این روایات امری ضروری به نظر می‌رسد. از آنجا که این روایات به نوعی ماهیت تاریخی داشته و در واقع حاکی از وقایع و رویدادهای تاریخی است، گزارش‌های تاریخی می‌تواند بهترین راه برای ارزیابی این روایات باشد (بنگرید به: عابدینی، ۱۱۳).

تاریخ، علم پرداختن به گذشته آدمیان است و بخش مهمی از رسالت آن را می‌توان احیای وقایع گذشته و انتقال این وقایع به آیندگان دانست. این رسالت به واسطه مورخان، تراجم نویسان، سیره‌نگاران، عالمان انساب، مغازی نویسان و ... از طریق کتب تاریخ، تراجم، سیره، انساب، مغازی و ... صورت می‌پذیرد. گرچه گزارش‌های تاریخی نیز در مواردی دچار جعل و تصحیف شده‌اند و گاهی نیز واقعه‌نگاران، تاریخ را موافق یا مخالف با جریان‌های خاص نقل کرده‌اند، با این وجود توجه به جزئیات و منقولات مورد اتفاق

واقع‌نگاران نه تنها می‌توانند در فهم هرچه بهتر روایات سبب نزول موثر باشند، بلکه در هنگام اجتماع دو یا چند سبب برای یک آیه، در ترجیح یکی از اسباب نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند.

از این رو با فرض اعتبار اجمالی داده‌های تاریخی، این گزارش‌ها به‌عنوان سنجۀ کشف، نقد و تاریخ‌گذاری روایات سبب نزول لحاظ می‌شود. لذا در متون ناسازگار، روایات سبب نزول با گزارش‌های تاریخی سنجیده می‌شود تا در بستری تاریخی، صدق و کذب آنها مورد راستی‌آزمایی قرار گیرد. در واقع این پژوهش تلاشی در جهت نقد و تحلیل روایات اسباب نزول با توجه به‌عرصه‌های تاریخی وقوع آن است زیرا در هنگام مواجهه با یک منبع یا مدرک تاریخی توجه به‌حوزه‌های بیرون از متن یا همان نقد بیرونی متن (بنگرید به: حیدری و دیاری، «روش‌شناسی...»، ۱۹۸) می‌تواند فهم و ترجیح متن را در مرحله‌ جدیدی قرار دهد که تا پیش از این ممکن نبوده است.

در نهایت همه این تلاش‌ها منجر به تاریخ‌گذاری روایات سبب نزول خواهد شد، زیرا یکی از دستاوردهای نقد این روایات، تاریخ‌گذاری آن است. پژوهش حاضر می‌کوشد تا روایات اسباب نزول را با توجه به شواهد تاریخی (با استمداد از متن و منبع) تاریخ‌گذاری کند. شایان ذکر است در این مقاله مقصود از «تاریخ‌گذاری»، تخمین زمان وقوع رویدادهای سبب نزول بر اساس شواهد تاریخی و بهره‌گیری از آن برای ترجیح روایتی بر روایت دیگر است.

روایات سبب نزول یکی از منابع مهم تفسیر نقلی محسوب می‌شود و همچنین به‌علت ماهیت تاریخی، این روایات به‌عنوان یکی از منابع شناخت وقایع و رویدادهای زمان پیامبر به حساب می‌آید، اما از نظر تاریخی برای بسیاری از روایات سبب نزول، از آن لحاظ که یک رویداد خارجی محسوب می‌شوند امکان وقوع در هنگام نزول آیه وجود ندارد به‌همین دلیل تاریخ‌گذاری این احادیث و آیات مربوطه امری ضروری است.

از این رو در شناخت روایات اسباب نزول توجه به‌مراحل زیر ضروری می‌نماید: (۱) شناخت شخصیت‌های موثر در واقعه، (۲) شناخت منابع تاریخی با محوریت منابع متقدم،

۳) تحلیل رویدادها یا شناخت درست وقایع و هم‌زمانی حضور اشخاص در رویدادها و شناخت زمان نزول آیه در بستر تاریخی آن در کنار آیات دیگر، ۴) تحلیل و جمع‌بندی مراحل فوق.

طرح مسئله

از جمله روایاتی که می‌توان با معیار تاریخ به آن نگریست، روایاتی است که ذیل آیه «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا» (احزاب/ ۳۶) نقل شده است که شامل سه روایت است. دو روایت نخست سبب نزول آیه را ازدواج «زینب» با «زید بن حارثه» می‌داند. در مقابل، روایت سوم سبب نزول این آیه را با ماجرای ازدواج «ام کلثوم بنت عقبه» و «زید بن حارثه» مرتبط می‌کند (بنگرید به: سیوطی، *لباب النقول*، ۱۹۰-۱۹۱).

بر اساس این روایات، سبب نزول آیه ۳۶ سوره احزاب استنکاف یا خشم زینب بنت جحش یا ام کلثوم بنت عقبه و برادرش از پیامبر (ص) به علت تزویج آنها با «زید بن حارثه» بوده است، زیرا آنها انتظار داشتند پیامبر (ص) ایشان را به زواج خود در آورد، از این رو این آیه نازل شد و از آنها خواست تا مطیع امر پیامبر (ص) باشند زیرا فرمان رسول، فرمان خداست و کسی که از فرمان خداوند سر باز زند دچار گمراهی آشکار شده است.

مقاله حاضر بر آن است با به‌کارگیری رویکردی توصیفی - تحلیلی براساس روش کتاب‌خانه‌ای به بررسی سبب نزول آیه ۳۶ سوره احزاب پردازد و با توجه به مجموع قرائن تاریخی، این روایات را تاریخ‌گذاری کرده و مطابقت یا عدم مطابقت آنها را با داده‌های تاریخی - قرآنی مورد واکاوی قرار دهد. از این رو پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است: اولاً، با توجه به گزارش‌های تاریخی زمان تقریبی نزول آیه ۳۶ سوره احزاب در چه سالی است؛ و ثانیاً، زمان وقوع کدام رویداد - ازدواج زید با زینب و ام کلثوم - با زمان نزول آیه مطابقت دارد.

در زمینه نگرش تاریخی به روایات اسباب نزول پژوهش‌هایی صورت پذیرفته است. از جمله آنها می‌توان از «روش‌شناسی نقد تاریخی روایات اسباب نزول» نوشته نجمه حیدری

و محمدتقی دیاری بیدگلی، «درنگی در تفسیر آیات تاریخی با تأکید بر قاعده العبرة» نوشته محمد حسن احمدی، «واکنش‌ها به مثله شدن حضرت حمزه (ع) در تاریخ»، نوشته اسدالله رحیمی، و «تحلیل حوادث تاریخی در دو سوره بقره و توبه، و نقش آن در تفسیر آیات آنها» نوشته احمد مهدی‌زاده یاد کرد؛ اما تا کنون اثری مستقل در مورد آیه ۳۶ نوشته نشده و به‌صورت موردی و از جهت تاریخی به آن پرداخته نشده است.

۱. مقدمات تاریخ‌گذاری

برای این منظور لازم است اولاً مروری بر مهم‌ترین گزارش‌ها داشته باشیم؛ ثانیاً، شخصیت‌های مؤثر بر وقوع روی‌دادها را شناسایی کنیم؛ زیرا برای شناخت درست یک واقعه، شناخت شخصیت‌های مؤثر آن واقعه می‌تواند نقش مهمی را ایفا کند چراکه با جستجو در زندگی این افراد اطلاعاتی جدیدی به‌دست می‌آید که کنار هم قرار دادن این اطلاعات ما را به‌کنه بسیاری از رویدادها رهنمون می‌کند. از این‌رو به‌طور مختصر به‌شرح حال سه شخصیت محوری این روایات اعم از، زینب، ام‌کلثوم و زید پرداخته خواهد شد.

۱-۱) گزارش اجمالی روایات

سیوطی در *لباب‌التقول* برای آیه ۳۶ سوره احزاب سه‌متن روایی نقل کرده است. روایت نخست، روایتی است که به گفته وی طبرانی به سند صحیح از قتاده نقل کرده است که پیامبر (ص) از زینب برای زید خواستگاری کرد و زینب به این گمان که پیامبر او را برای خودش خواستگاری کرده است، پذیرفت اما هنگامی که دانست او را برای زید می‌خواهد، سرباز زد پس خداوند آیه «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ» را نازل کرد و پس از آن زینب تسلیم شد و رضایت داد». (بنگرید به: سیوطی، *لباب‌التقول*، ۱۹۱؛ همو، *الاتقان*، ۵/ ۲۰۱؛ ابن‌ابی‌حاتم، *التفسیر*، ۹/ ۳۱۳۵).

روایت دوم را می‌گوید که طبری از ابن‌عباس روایت کرده است که رسول خدا (ص) زینب دختر جحش را برای زید بن حارثه خواستگاری کرد و او قبول نکرد، و گفت: حسب و نسب من آبرومندتر و بهتر از حسب و نسب اوست و این حرف را بر حسب طبیعت تندری که داشت با خشونت گفت: لذا آیه شریفه نازل شد که «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ...».

روایت سوم را نیز می‌گوید که ابن ابی حاتم از ابن زید روایت کرده است که این آیه در شان ام کلثوم، دختر عقبه بن ابی معیط نازل شده است. وی اولین زنی بود که در راه خدا مهاجرت کرد و خود را به رسول خدا (ص) بخشید. و رسول خدا (ص) او را به زید بن حارثه تزویج کرد و او و برادرش خشمناک شدند و ام کلثوم گفت ما خود رسول خدا (ص) را می‌خواستیم، اما او ما را به غلامش تزویج کرد و آیه شریفه در پاسخ او نازل شد (بنگرید به: سیوطی، *لباب النقول*، ۱۹۱؛ ابن ابی حاتم، *التفسیر*، ۹/ ۳۱۳۵).

برای بررسی روایات لازم است حوادث و افراد مرتبط بررسی شود. از این رو در ادامه به گزارش‌های مرتبط با ازدواج زید با زینب و ام کلثوم پرداخته خواهد شد و به هر یک از این دو واقعه به صورت جداگانه توجه می‌شود. از آنجایی که در نقل سیوطی زمان حادثه مشخص نشده است، این احتمال وجود دارد که بتوان با بررسی هر یک از حوادث زمان حادثه را مشخص نمود و در ارزیابی روایت معیار بیش‌تری را در اختیار نهاد.

(۲-۱) تحلیل اجمالی منابع روایات

توجه به منابعی که ناقل روایات سبب نزول است به ما کمک می‌کند تا از میزان توجه تاریخ‌نگاران، سیره‌نگاران و تراجم‌نویسان به این روایات آگاه شویم. نقل واقعه‌ای از سوی قدما ارزش و اهمیت آن واقعه را نزد آنها نشان می‌دهد. از جهت دیگر نیز نقل یک ماجرا در کتب تاریخ یا تراجم می‌تواند ما را به واقعه نزدیک‌تر کرده و نسبت به وقوع آن اطمینان بیش‌تری حاصل کنیم. از این رو در این بخش با کاوش اجمالی در این کتب سعی خواهد شد که میزان نقل این دسته از روایات اسباب نزول مورد توجه قرار گیرد.

باید گفت که در مورد نزول آیه در شان زینب در منابع تاریخی متقدم گزارشی دیده نمی‌شود. این در حالی است که بیش‌تر منابع تفسیری متقدم چنین شان نزولی را ذیل آیه نقل کرده‌اند و این روایت از شهرت بسیاری در نزد ایشان برخوردار بوده است (برای نمونه: بنگرید به: ابن سلیمان، ۳/ ۴۹۰-۴۹۱؛ قمی، *التفسیر*، ۲/ ۱۹۴؛ فراء، *معانی القرآن*، ۲/ ۳۴۳؛ صنعانی، *التفسیر*، ۲/ ۹۶؛ طبری، *جامع البیان*، ۲۲/ ۹). با وجود چنین شهرتی معلوم نیست که چرا مورخان دست به گزارش این رویداد نزده‌اند اما به نظر می‌رسد که

شهرت فراگیر این واقعه می‌تواند به‌عنوان یکی از دلایل، مورد توجه قرار گیرد.

همچنین در منابع تاریخی سه قرن نخست — بنا بر منابع موجود — واقدی (درگذشته ۲۰۷ق) تنها مورخی است که شان نزول ۳۶ سوره احزاب را در مورد ام‌کلثوم نقل کرده است. طبق نقل وی کراهت ام‌کلثوم برای ازدواج با زید سبب اولیه نزول آیه بوده است (واقدی، *المغازی*، ۳/ ۱۱۲۷). اما در منابع تاریخی پس از او مانند *طبقات ابن‌سعد* (درگذشته ۲۳۰ق) یا *انساب الاشراف* بلاذری (درگذشته ۲۷۹ق) چنین گزارشی به‌چشم نمی‌خورد با آنکه این منابع نزول آیات دیگری را برای ام‌کلثوم گزارش داده‌اند. به‌عنوان نمونه به گفته ابن‌سعد و بلاذری نزول آیه (۱۰ ممتحنه) در شان وی بوده است (ابن‌سعد، *الطبقات*، ۸/ ۱۸۴؛ بلاذری، *انساب الاشراف*، ۹/ ۳۴۴).

گفتنی است هنگامی که ام‌کلثوم دختر عقبه بن ابی معیط به مدینه هجرت کرد دو برادرش آمدند و می‌خواستند او را با خود ببرند و به مکه برگردانند خداوند متعال این آیه را نازل فرمود: «فامتحوهن الله أعلم بایمانهن». گوید مقصود از این آیه زن مسلمانی است که چون به مسلمانان پناهیده شد مهریه و کابین او را پردازند همچنین هر گاه مسلمانان زنان کافر را طلاق می‌دهند باید کابین آنان را به مشرکان پردازند و اگر آنان از پرداخت هزینه‌های متقابل خودداری کردند و چیزی از مهریه را نگه داشتند مسلمانان هم کابین زنان مسلمانی را که از پیش کافران آمده‌اند نگه دارند (ابن‌سعد، *الطبقات*، ۸/ ۲۴۲).

باین حال، ذیل ترجمه او یا مجالی که در مورد او سخنی به‌میان آمده، حتی اشاره‌ای ضمنی به آیه مورد بحث نشده است. همچنین در میان تاریخ‌نگاران متاخر، مقریزی (درگذشته ۸۴۵ق) در کتاب خویش ذیل هجرت ام‌کلثوم، بخشی با عنوان «ما نزل فیها من القرآن» باز می‌کند و نزول آیه (۱۰ ممتحنه) را به او نسبت می‌دهد اما سخنی از آیه (۳۶ سوره احزاب) به‌میان نمی‌آورد (مقریزی، *امتاع الاسماع*، ۱/ ۳۰۱). نقل واقدی به‌روشنی نشان می‌دهد که چنین روایتی در میانه قرن دوم یا ربع پایانی این قرن وجود داشته است اما عدم نقل واقعه‌نگاران دیگر، صحت این روایت را از نظر تاریخی دچار تردید می‌کند.

گزارش واقدی به‌شرح ذیل است (بنگرید به: واقدی، *المغازی*، ۳/ ۱۱۲۷):

موسی بن یعقوب، از ابی الحویرث، و مخرمه بن بکیر، از پدرش، از عروة بن زبیر نقل کردند که: رسول خدا (ص) به ام کلثوم دختر عقبه فرمود: همسر زید بن حارثه شود که برایش بهتر است. و او این مطلب را خوش نداشت و خدای تعالی این آیه را نازل فرمود «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا» (احزاب/ ۳۶).

هرچند نزول آیه برای ام کلثوم در کتب تاریخی متقدم دیده نمی‌شود اما شهرت این روایت در میان مفسران امری قطعی است با این حال مشخص نیست که واقعی به چه دلیلی روایت سبب نزول را برای ام کلثوم نقل کرده است.

۳-۱) شخصیت‌های مهم در روی دادهای روایت‌شده

یک شخصیت مهم در این روایت‌ها زینب دختر جحش است. وی از همسران پیامبر (ابن هشام، *السیره*، ۲/ ۶۴۴)، مادرش امیمه دختر عبدالمطلب و عمه پیامبر است نیز دختر عمه ایشان است. او جزو کسانی است که بعد از هجرت پیامبر به مدینه، به آنجا مهاجرت کرد (بنگرید به: ابن‌سعد، *الطبقات*، ۸/ ۸۰). به سبب زیبایی بسیار پیامبر او را برای زید خواستگاری کرد (همان‌جا).

او در یکی از سالهای سوم هجری (بنگرید به: بلاذری، *انساب الاشراف*، ۱/ ۴۳۳؛ ابن‌جوزی، *المنتظم*، ۳/ ۲۲۵)، چهارم هجری (بنگرید به: ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ۲/ ۲۵۶، ۳/ ۲۱۲) یا پنجم هجری (بنگرید به: ابن‌سعد، *الطبقات*، ۸/ ۹۰؛ بلاذری، *انساب الاشراف*، ۱/ ۴۳۳؛ مسعودی، *مروج الذهب*، ۲/ ۲۸۹)، پس از آنکه زید او را طلاق داد به ازدواج پیامبر در آمد. به گفته ذهبی سخن درست‌تر آن است که این وصلت در سال چهارم هجرت صورت پذیرفته است (بنگرید به: ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ۳/ ۲۱۲) که تا حدی به صواب نزدیک است.

در برخی از نقل‌ها سبب نزول آیه حجاب (احزاب/ ۳۵)، عروسی او با پیامبر اعلام شده است. ابن‌سعد از محمد بن عمر واقدی، از معمر، از محمد بن عبد الله، از زهری، از انس بن مالک نقل می‌کند: نخستین بار حجاب به هنگام زفاف رسول خدا (ص) با زینب دختر جحش، مقرر شد. انس نقل کرده است ابی بن کعب هم درباره این موضوع از من

می‌پرسید، انس در پی سخن خود چنین گفته است صبحِ شبی که پیامبر (ص) با زینب عروسی کرده بود مردم را به چاشت دعوت فرمود، مردم خوراک خوردند و رفتند ولی گروهی از ایشان در خانه پیامبر (ص) ماندند و نشستن خود را طول دادند، پیامبر (ص) برخاست و از خانه بیرون رفت من هم همراهش رفتم و تا در خانه عایشه رفتیم، پیامبر گمان برد که آنان رفته‌اند برگشت من هم در خدمتش بودم، چون وارد خانه زینب شد و آنان همچنان نشسته بودند، باز برگشت و همچنان تا در خانه عایشه رفتیم و بازگشتیم، در این هنگام آنان رفته بودند و رسول خدا میان من و خودش پرده را فرو هشت و احکام حجاب نازل شد (بنگرید به: ابن‌سعد، *الطبقات*، ۸ / ۱۸۰؛ و همچنین بنگرید به: ابن‌کثیر، *البدایة و النهایة*، ۴ / ۱۴۷).

وی از زنان محبوب پیامبر به شمار می‌رفت (بنگرید به: ابن‌عبدالبر، *الاستیعاب*، ۴ / ۱۸۵۰). در نهایت در سال ۲۰ هجرت و در زمان خلافت عمر (بنگرید به: واقدی، *المغازی*، ۲ / ۶۹۹) یا در سال ۲۱ هجرت (بنگرید به: ابن‌عبدالبر، *الاستیعاب*، ۴ / ۱۸۵۰) وفات کرد.

شخصیت مهم دیگر ام کلثوم بنت عُقَبَة ابن‌ابی‌مُعِیْط است. ام کلثوم که پدرش عقبه و مادرش اروی، خواهر عثمان از جانب مادر بود (بنگرید به: بلاذری، *انساب‌الاشراف*، ۱ / ۴۷۱) از زنان صحابی به شمار می‌رود که در مکه به پیامبر ایمان آورد و سپس برای بیعت با پیامبر به تنهایی به مدینه مهاجرت کرد. طبق نقل ابن‌سعد، او اولین زن مهاجر مسلمان است (بنگرید به: ابن‌سعد، *الطبقات*، ۸ / ۱۸۳). بر اساس نقل‌های تاریخی مهاجرت او در سال هفت هجرت و در میانه پیمان حدیبیه بوده است (بنگرید به: ابن‌عبدالبر، *الاستیعاب*، ۴ / ۱۹۵۴). ابن‌هشام از قول ابن‌اسحاق نقل می‌کند که پس از مهاجرت وی به مدینه و پناه آوردنش به رسول‌الله، برادرانش «عمار» و «ولید» در پی او روانه شدند و از پیامبر خواستند تا بنا بر عهدی که میان ایشان و مکیان مبنی بر بازگشت پناه‌جویان منعقد شده بود، ام کلثوم را به آنها تسلیم کند. اما پیامبر با این کار مخالفت کرده و فرمودند خداوند چنین کاری نیست (بنگرید به: ابن‌هشام، *السیره*، ۲ / ۳۲۵ - ۳۲۶). در تفصیل دیگری از همین واقعه

آمده است پس از درخواست استرداد ام کلثوم از سوی برادرانش، او به پیامبر رو کرد و گفت: آیا می‌خواهید مرا تحویل مشرکین دهید در حالی که آنها مرا از دینم گمراه می‌سازند. در نقل بلاذری از این واقعه آمده است: پس از این ماجرا آیه ۱۰ سوره ممتحنه بر پیامبر نازل شد و ایشان را از تحویل دادن ام کلثوم منع کرد (بنگرید به: بلاذری، *انساب الاشراف*، ۳۴۳/۹؛ نیز، بنگرید به: شافعی، *الام*، ۲۰۲/۴؛ ابن عساکر، *تاریخ دمشق*، ۴۹۳/۲؛ بیهقی، *دلائل النبوه*، ۱۷۰/۴). همچنین نزول آیات (۱۱ و ۱۲ ممتحنه) (بنگرید به: ابن سعد، *الطبقات*، ۱۸۴/۸؛ و بنگرید به: ابن عبدالبر، *الاستیعاب*، ۱۱۹۵۳/۴). در شان او گزارش شده است. بر پایه گزارش تاریخ‌نگاران، پس از استقرار او در مدینه، زید بن حارثه، زبیر بن عوام، عبدالرحمن بن عوف، و عمرو بن عاص از او خواستگاری کردند اما در پی مشورت با برادرش عثمان و طبق نظر پیامبر، با زید ازدواج کرد و پس از آنکه زید او را طلاق داد با «زبیر» سپس با «عبد الرحمن بن عوف» و سپس نیز «عمرو بن عاص» ازدواج کرد و از آنها صاحب فرزندان شد (بنگرید به: بلاذری، *انساب الاشراف*، ۴۷۱/۱؛ ابن عبدالبر، *الاستیعاب*، ۱۱۹۵۳/۴؛ ابن اثیر، *أسد الغابه*، ۳۸۶/۶). در نهایت یک ماه پس از ازدواج با عمرو بن عاص وفات کرد (بنگرید به: ابن عبدالبر، *الاستیعاب*، ۳۸۶/۶). او از جمله زنانی است که از پیامبر روایت نقل کرده است (بنگرید به: احمد بن حنبل، *المسند*، ۴۵/۴۰؛ بخاری، *الجامع الصحیح*، ۳۹۵/۴).

آخرین شخصیتی که باید از او یاد شود زید بن حارثه است. نام پدرش شراحیل کعبی و نام مادرش سعدی بنت ثعلبه بن عبد بن عامر است. در روزگار جاهلیت به همراه مادرش به دیدار قبیله مادری رفت و در این هنگام گروهی از بنی قین به آنها هجوم آوردند و زید را در حالی که نوجوانی نورسیده بود با خود به بازار عکاظ بردند و او را در معرض فروش گذاشتند تا آنکه حکیم بن حزام او را به قیمت ۴۰۰ درهم برای عمه‌اش خدیجه خرید و ایشان نیز پس از ازدواج با پیامبر، زید را به رسول‌الله هبه کرد (بنگرید به: بلاذری، *انساب الاشراف*، ۴۶۷/۱؛ ابن حجر عسقلانی، *الاصابه*، ۴۹۴-۴۹۵).

وی در طول حیات خویش با افراد مختلفی وصلت نمود. پس از شرکت در جنگ بدر

پیامبر او را به تزویج «ام ایمن» برده آزاد شده خویش در آورد (ابن‌عبدالبر، *الاستیعاب*، ۲/ ۵۴۲). پس از تبّی، رسول‌الله «زینب بنت جحش» را به عقد او در آورد. بعد از طلاق زینب با «ام‌کلثوم بنت عقبه» ازدواج کرد. طبق گزارش ابن‌حجر پس از طلاق ام‌کلثوم، با «دره» دختر ابی‌لهب ازدواج کرد و بعد از طلاق او نیز خواهر زیبر «هند بنت عوام» را به همسری برگزید (ابن‌حجر عسقلانی، *الاصابه*، ۲/ ۴۹۶).

او تنها صحابی پیامبر است که نامش به‌صراحت در قرآن آمده است (احزاب/ ۳۷). در جنگ‌های زیادی پیامبر را همراهی کرد و سرانجام در سال هشتم هجرت و در جنگ موته دار فانی را وداع گفت (بلاذری، *انساب‌الاشراف*، ۱/ ۳۸۰).

۲. تاریخ‌گذاری رویدادها

برای راستی‌آزمایی هرچه بهتر این واقعه لازم است جزئیات گزارش‌های مربوط به ام‌کلثوم و زید مورد بررسی قرار گیرد. از این‌رو تا حد امکان با کنار هم قرار دادن جزئیات وقایع، سعی خواهد شد که درستی هر یک، مورد محک قرار گیرد.

۲-۱) تخمین زمان ازدواج زینب و زید

با توجه به‌انبوه گزارش‌هایی که در مورد زید و زینب نقل شده است، ازدواج آنها را می‌توان تاریخ‌گذاری نمود. بر اساس گزارش‌های به دست آمده، زینب بنت جحش در یکی از سال‌های (۳ تا ۶) پس از آنکه زید او را طلاق داد، با پیامبر ازدواج کرد. به نقل ابن‌سعد پیامبر در ذی‌القعدة سال پنجم هجرت با او ازدواج کرده است (بنگرید به: ابن‌سعد، *الطبقات*، ۸/ ۹۰؛ و بنگرید به: مسعودی، *مروج‌الذهب*، ۲/ ۲۸۹؛ ابن‌جوزی، *المنتظم*، ۳/ ۲۲۵؛ عاملی، *الصحيح من سيرة النبي*، ۱۴/ ۵).

ابن‌عبدالبر این قول را به قناده نسبت داده است (بنگرید به: ابن‌عبدالبر، *الاستیعاب*، ۴/ ۱۸۴۹) بر اساس نقل بلاذری پیامبر در ذی‌القعدة سال پنجم یا پس از جنگ مریسيع (بنی‌المصطلق) که در شعبان سال پنجم به وقوع پیوست با زینب ازدواج کرد. البته وی سال سوم هجرت را نیز به عنوان یکی از احتمالات ضعیف و احياناً نادرست تاریخ ازدواج پیامبر با زینب نقل می‌کند (بنگرید به: بلاذری، *انساب‌الاشراف*، ۱/ ۴۳۳؛ مقریزی، *امتاع*

الاسماع، ۱/ ۲۰۲). ذهبی تصریح می‌کند که تاریخ درست ازدواج زینب با پیامبر سال چهارم هجرت است (بنگرید به: ذهبی، تاریخ الاسلام، ۲/ ۲۵۶). جعفر مرتضی تاریخ این ازدواج را پس از نزول سوره احزاب می‌داند و بر این عقیده است که زینب نزد زید بوده و پس از آن در سال ششم هجرت با پیامبر ازدواج کرده است (بنگرید به: عاملی، الصحيح من سيرة النبي، ۶۸/۱۴).

هر چند دانشمندان اسلامی در تاریخ ازدواج زینب با پیامبر اختلاف نظر دارند اما در نهایت این تاریخ از سوی بسیاری سال پنجم یا ششم هجرت معرفی شده است. با توجه به تصریح آیه (۳۷ احزاب) پس از آنکه زید زینب را طلاق داد، پیامبر او را به ازدواج خود در آورد. در نتیجه زید پیش از سال چهارم یا پنجم یا ششم با زینب ازدواج کرده است.

۲-۲) تخمین زمان ازدواج ام‌کلثوم و زید

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، ام‌کلثوم ابتدا در مکه سکونت داشت اما بعد از هجرت پیامبر به مدینه، تصمیم به مهاجرت گرفت و به تصریح مورخان و سیره‌نگاران در زمان «صلح حدیبیه» (هدنه) به مدینه مهاجرت کرد (بنگرید به: ابن‌هشام، السیره، ۲/ ۳۲۵؛ ابن‌سعد، الطبقات، ۸/ ۱۸۳).

طبق گزارش‌های موجود، زمان آغاز صلح حدیبیه سال ششم هجرت و پایان آن نیز سال هشتم هجرت است (بنگرید به: بلاذری، انساب الاشراف، ۱/ ۳۴۹؛ یعقوبی، التاریخ، ۲/ ۵۴؛ طبری، جامع البیان، ۲/ ۶۲۰؛ ابن‌کثیر، البدایة و النهایة، ۴/ ۱۴۶؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ۲/ ۳۶۳). بنا براین زمان حرکت ام‌کلثوم از مکه و حضور او در مدینه بین سال‌های شش تا هشت خواهد بود. از آنجا که صلح در ماه ذی‌القعدة سال ششم (بنگرید به: ابن‌اثیر، المختار، ۲/ ۲۰۰) — با توجه به قول مشهور — بوده و دو سال به طول انجامیده است، به نظر می‌رسد ورود ام‌کلثوم بین سال‌های هفتم تا هشتم باشد. تصریح مورخان و تراجم نویسان نشان می‌دهد که او در سال هفتم هجرت وارد مدینه شده است (بنگرید به: خلیفة بن خیاط، التاریخ، ۴۰).

به گزارش ابن‌سعد، او پس از ورودش به مدینه به تزویج زید در آمد: «فلما قدمت

المدينة تزوجها زيد بن حارثة بن شراحيل الكلبي فولدت له» (بنگرید به: ابن‌سعد، *الطبقات*، ۸/ ۱۸۴) از این گزارش فهمیده می‌شود پس از ورود او به مدینه دیری نپایید که زيد او را به همسری برگزید. بنا بر این به احتمال بسیار زیاد او در سال هفتم به عقد زيد در آمده است. با توجه به گزارش‌های تاریخی و همچنین با در نظر گرفتن سال وفات زيد در هشتم هجرت در جنگ موته (بنگرید به: ابن‌سعد، *الطبقات*، ۳/ ۳۳؛ خلیفه بن خیاط، *التاریخ*، ۴۰؛ مسعودی، *مروج الذهب*، ۲/ ۲۹۰) تاریخ پایان زندگی مشترک آنان نیز پس از سال هشتم نخواهد بود.

شایان ذکر است طبق گزارش ابن‌سعد در خصوص جدایی زيد و ام‌کلثوم نیز اختلاف نظر وجود دارد. برخی از گزارش‌ها حاکی از آن است که زيد تا پیش از موته با او زندگی مشترک داشته (بنگرید به: ابن‌سعد، *الطبقات*، ۴/ ۱۸۴) و برخی دیگر به طلاق آنها اشاره دارد (بنگرید به: ابن‌سعد، *الطبقات*، ۳/ ۳۳). در این صورت در محتمل‌ترین فرض ممکن، ازدواج آنها در سال هفتم بوده است.

۳. تاریخ‌گذاری آیه ۳۶ سوره احزاب

سوره احزاب طبق چینش کنونی مصحف، سی و سومین سوره قرآن است.

۳-۱) مدنی بودن سوره

بر اساس گزارش بسیاری از مفسران تمام آیات آن مدنی است (بنگرید به: ابن‌سلیمان، ۳/ ۴۶۸؛ یحیی بن سلام، *التفسیر*، ۲/ ۶۹۷؛ سمرقندی، *التفسیر*، ۳/ ۴۲؛ ابن‌ابی‌زمین، *التفسیر*، ۲/ ۱۵۷؛ آلوسی، *روح المعانی*، ۱۱/ ۱۴۰؛ طوسی، *التبیان*، ۸/ ۳۲۱). به گفته طباطبایی سیاق آیات این سوره شهادت می‌دهد که در مدینه نازل شده است (بنگرید به: طباطبایی، *المیزان*، ۱۶/ ۲۳۷).

همچنین نام این سوره در میان سوره‌هایی که در مکی و مدنی بودن آنها اختلاف وجود دارد به چشم نمی‌خورد (بنگرید به: سیوطی، *الاتقان*، ۱/ ۵؛ معرفت، *التمهید*، ۱/ ۱۳۷). از سویی نیز آیه ۳۶ این سوره در میان آیاتی که در میان سوره‌های مدنی استثنا شده قرار ندارد بنا بر این بی‌هیچ اختلافی می‌توان گفت که این سوره پس از هجرت پیامبر به مدینه نازل

شده است. همچنین آیه مورد بحث، در زمره آیات مستثنیات جای ندارد (برای نمونه: بنگرید به: سیوطی، *الاتقان*، ۱/ ۸۰؛ معرفت، *التمهید*، ۱/ ۲۲۴).

در مورد زمان تقریبی آیه ۳۶ می‌توان با در کنار هم قراردادن قرائن و مستندات تاریخی، زمانی را برای این آیه تعیین کرد که به واقعیت نزدیک‌تر است. با پیش فرض قطعی انگاشتن ترتیب آیات سوره احزاب و با توجه به آیات قبل و بعد آیه ۳۶ و گزارش‌های تاریخی در این زمینه نتایجی مثمر ثمر حاصل خواهد شد. البته شایان ذکر است که روایات سبب نزول نیز می‌تواند در تاریخ‌گذاری آیه نقش موثری را ایفا کند، چراکه این روایات نوعی از رویدادهای تاریخی را نشان می‌دهد که در دوره خاصی رخ داده است.

۲-۳) آیات ۹ تا ۲۴

گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که آیات ابتدایی سوره احزاب به‌ماجرای جنگ احزاب یا جنگ خندق اختصاص دارد. به نظر می‌رسد آیات ۹-۲۴ این سوره درباره جنگ خندق است (بنگرید به: ابن هشام، *السیره*، ۲/ ۲۴۶؛ واقدی، *المغازی*، ۲/ ۴۹۵؛ و همچنین بنگرید به: طباطبایی، *المیزان*، ۲۴/ ۵۳). این جنگ در یکی از سال‌های چهارم (بنگرید به: فسوی، *المعرفة و التاريخ*، ۳/ ۲۵۸؛ بیهقی، *دلائل النبوه*، ۳/ ۳۹۳) یا پنجم (بنگرید به: ابن هشام، *السیره*، ۲/ ۲۱۴؛ واقدی، *المغازی*، ۲/ ۴۱۴؛ ابن سعد، *الطبقات*، ۲/ ۵۰) یا ششم (بنگرید به: یعقوبی، *التاریخ*، ۲/ ۵) رخ داده است.

بر اساس این منابع به نظر می‌رسد جنگ خندق در یکی از سال‌های چهارم یا پنجم هجرت رخ داده است که با توجه به منابع کهن‌تر وقوع آن در سال پنجم محتمل‌تر است. بنا براین نزول آیات ابتدایی سوره احزاب در یکی از این دو تاریخ است. از همین رو آیه (۳۶ سوره احزاب) پیش از سال چهارم یا پنجم نازل نشده است و به نظر می‌آید با توجه به آیات پس از آن، سال پنجم هجرت به عنوان تاریخ احتمالی نزول این آیه به واقعیت نزدیک‌تر است. دقت نظر در آیه (۵۳) این سوره نیز می‌تواند مستند و قرینه‌ای برای درک درست این تاریخ باشد.

۳-۳) آیه ۵۳

بر اساس گزارش‌ها، یکی از اسباب نزول آیه (۵۳) که به آیه حجاب شهرت دارد ازدواج پیامبر با زینب است (بنگرید به: ابن‌سعد، *الطبقات*، ۸/ ۸۴؛ ابن‌کثیر، *البدایة و النهایة*، ۴/ ۱۴۶؛ بیهقی، *دلائل النبوه*، ۳/ ۴۶۶؛ و همچنین بنگرید به: ابن‌سلیمان، ۳/ ۵۰۴). برخی از تاریخ‌نگاران از انس بن مالک و دیگران نقل کرده‌اند:

پیامبر (ص) صبحی که با زینب بنت جحش در مدینه ازدواج کرده بود پس از برآمدن روز مردم را به خوراک فراخواند، پیامبر (ص) خود نشست و تنی چند از مردان هم پس از اینکه مردم رفته بودند همچنان همراه آن حضرت نشستند، سپس رسول خدا (ص) از جای برخاست و به راه افتاد انس نیز همراه ایشان راه افتاد تا به حجرة عایشه رسید، رسول خدا پنداشت که آن چند تن رفته‌اند برگشت و انس هم همراهش برگشت و دید آنان هنوز بر جای خودند.

پیامبر (ص) برای بار دوم برگشت انس هم همراه ایشان برگشت و تا خانه عایشه رفت و برگشت و انس نیز با ایشان بازآمد، در این هنگام آن چند تن برخاسته و رفته بودند، پیامبر (ص) میان انس و خود پرده را فرو هشت و آیه حجاب نازل شد (بنگرید به: ابن‌سعد، *الطبقات*، ۸/ ۱۰۸ - ۱۰۹). بر اساس برخی از گزارش‌ها نزول آیه حجاب در سال پنجم هجرت بوده است (بنگرید به: بنگرید به: ابن‌سعد، *الطبقات*، ۸/ ۱۴۱؛ ابن‌جوزی، *المنتظم*، ۳/ ۲۲۷؛ ابن‌حجر عسقلانی، *الاصابه*، ۸/ ۱۵۳؛ ابن‌اثیر، *المختار*، ۱/ ۲۹).

اگر گزارش ابن‌سعد را در مورد ازدواج زینب و پیامبر مورد استناد قرار دهیم، ازدواج آنها در ذی‌القعدة سال پنجم، یعنی یازدهمین ماه قمری از این سال بوده است.

بنا بر این از بین سالهایی که برای ازدواج زینب و پیامبر نقل شده است، سال پنجم هجرت مناسب‌تر به نظر می‌آید و احتمالاً زمان ازدواج زینب و زید نیز اواخر سال چهارم یا اوایل سال پنجم هجرت است. از این‌رو نزول آیه (۳۶) در اواخر سال چهارم هجرت و یا اوایل سال پنجم هجرت است و آیه (۳۷) نیز در سال پنجم هجرت بیش از همه محتمل است. البته منابع کهن‌تر نشان می‌دهند که تاریخ نزول این دو آیه سال پنجم هجرت است.

نتیجه

با توجه به تاریخ‌های ارائه شده از گزارش‌های موجود، می‌توان دریافت که تاریخ ازدواج زینب و پیامبر یکی از سال‌های (۴ تا ۶) هجرت است که با توجه به اقوال تاریخی و شأن نزولی که برای آیه ۵۳ احزاب نقل شده است، سال پنجم محتمل‌تر به نظر می‌آید. تاریخ ازدواج زینب و زید نیز پیش از سال‌های ۴-۶ ق است که با توجه به تاریخ احتمالی ازدواج زینب و پیامبر در سال پنجم، اواخر سال چهارم هجرت یا اوایل سال پنجم، تاریخ محتمل‌تری به نظر می‌آید. بنا بر این آیه ۳۶ سوره احزاب در اواخر سال چهارم یا اوایل سال پنجم هجرت نازل شده است.

نیز، بر پایه آنچه گفته شد، تاریخ احتمالی ازدواج ام‌کلثوم با زید سال ۷ ق، تاریخ نزول آیات ۹ - ۲۴ سوره احزاب نیز بین سال‌های ۴-۵ ق، تاریخ احتمالی نزول آیه ۵۳ احزاب سال ۵ ق، و بالاخره، تاریخ نزول احتمالی آیه ۳۶ سوره احزاب هم اواخر سال چهارم یا اوایل سال ۵ ق است.

هرچند که هیچ‌یک از کتب تاریخی متقدم نزول آیه ۳۶ سوره احزاب را به زینب نسبت نداده‌اند اما شان نزول این آیه در کتب تفسیر کهن مانند تفسیر مقاتل بن سلیمان (درگذشته ۱۵۰ ق) و معانی القرآن فراء (درگذشته ۲۰۷ ق) و تفسیر صنعانی (درگذشته ۲۱۱ ق) و جامع البیان طبری (درگذشته ۳۱۰ ق) آمده است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که تاریخ‌های به‌دست‌آمده از سال نزول آیه که بین سال ۴-۵ است با تاریخ ازدواج زینب با زید سازگاری بیش‌تری دارد.

از سوی دیگر، گفتنی است هرچند واقعی در المغازی سبب نزول آیه مورد بحث را به ام‌کلثوم نسبت داده است اما تاریخ نزول آیه با ورود ام‌کلثوم به مدینه و ازدواج او با زید بن حارثه در سال هفتم هجرت، مطابقت ندارد و در بهترین شکل آن بین سال نزول آیه و ورود ام‌کلثوم به مدینه یک یا دو سال اختلاف است، از این رو اختلاف این دو زمان سبب عدم پذیرش روایت شان نزول آیه درباره ام‌کلثوم خواهد بود.

تاریخ نزول آیه	تاریخ ازدواج زید و زینب	تاریخ ازدواج زید و ام‌کلثوم	جمع‌بندی
<p>سال پنجم هجرت</p> <p>۱ - آیات ۹ تا ۲۴ سوره احزاب در مورد جنگ خندق است که بین سال‌های ۴ تا ۵ هجرت رخ داده است. با توجه به منابع نخستین، سال پنجم فرض محتمل‌تری است.</p> <p>۲ - آیه ۵۳ سوره احزاب درباره ازدواج زینب با پیامبر است که در سال ۵ هجرت رخ داده است.</p> <p>۳ - آیه ۳۶ سوره احزاب با توجه به قرار گرفتن میان این دو آیه، در سال ۵ هجرت نازل شده است.</p>	<p>اواخر سال چهارم یا اوایل سال پنجم هجرت</p> <p>۱ - پیامبر در یازدهمین ماه از سال پنجم هجرت با زینب ازدواج کرد.</p> <p>۲ - با توجه به قرائن تاریخ ازدواج زید و زینب سال پنجم است.</p>	<p>سال هفتم هجرت</p> <p>۱ - ام‌کلثوم در سال ششم هجرت و در هنگام صلح حدیبیه به‌مدینه مهاجرت کرد.</p> <p>۲ - در سال هفتم با زید ازدواج کرد.</p>	<p>۱ - تاریخ نزول آیه (۵ هجرت).</p> <p>۲ - تاریخ ازدواج زید و زینب (سال ۵ هجرت).</p> <p>۳ - تاریخ ورود ام‌کلثوم به‌مدینه و ازدواج وی با زید (سال ۷ هجرت).</p> <p>۴ - با توجه به این تاریخ‌ها روایت اول و دوم به‌عنوان سبب نزول آیه پذیرفتنی است.</p>

منابع

- ١- قرآن کریم.
- ٢- ابن ابی زمنین، محمد بن عبدالله، *التفسیر*، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ١٤٢٤ق.
- ٣- ابن اثیر، علی بن محمد، *أسد الغابة*، بیروت، دارالفکر، ١٤٠٩ق.
- ٤- ابن اثیر، مبارک بن محمد، *المختار من مناقب الاخيار*، العین، مرکز زايد للتراث و التاريخ، ١٤٢٤ق.
- ٥- ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی، *المنتظم*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١٢ق.
- ٦- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *الاصابه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١٥ق.
- ٧- ابن سعد، محمد، *الطبقات*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١٠ق.
- ٨- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، *الاستیعاب*، بیروت، ١٤١٢ق.
- ٩- ابن عساکر، علی بن حسن، *تاریخ دمشق*، بیروت، دارالفکر، ١٤١٥ق.
- ١٠- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة*، بیروت، دارالفکر.
- ١١- ابن هشام، عبد الملک، *السیرة*، بیروت، دارالمعرفه.
- ١٢- أحمد بن حنبل، *المسند*، قاهره، دارالحديث، ١٤١٦ق.
- ١٣- آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١٥ق.
- ١٤- بخاری، محمد بن اسماعیل، *الجامع الصحیح*، قاهره، دارطوق النجاه، ١٤٢٢ق.
- ١٥- بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، بیروت، دارالفکر، ١٤١٧ق.
- ١٦- بیهقی، احمد بن حسین، *دلائل النبوة*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤٠٥ق.
- ١٧- حیدری، نجمه و دیاری بیدگلی، محمدتقی، «روش شناسی نقد تاریخی روایات اسباب نزول»، *کتاب قیم*، شماره ٢٧، صص ١٩٥-٢١٤، پاییز و زمستان ١٤٠١ش.
- ١٨- خلیفة بن خیاط، *التاریخ*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١٥ق.
- ١٩- ذهبی، محمد بن احمد، *تاریخ الإسلام*، بیروت، دارالکتب العربی، ١٤٠٩ق.
- ٢٠- سمرقندی، نصر بن محمد، *التفسیر*، بیروت، دارالفکر، ١٤١٦ق.
- ٢١- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، *لباب النقول*، بیروت، دارالکتب العربی، ٢٠١٤م.

- ٢٢- سيوطي، عبدالرحمن بن ابى بكر، **الإتقان**، بيروت، دارالكتب العربى، ١٤٢١ق.
- ٢٣- شافعى، محمد بن إدريس **الأم**، بيروت، دارالمعرفة، ١٤١٠ق.
- ٢٤- صنعانى، عبدالرزاق بن همام، **تفسير القرآن**، بيروت، دارالمعرفة، ١٤١١ق.
- ٢٥- طباطبايى، محمد حسين، **الميزان**، بيروت، اعلمى، ١٣٩٠ق.
- ٢٦- طبرى، محمد بن جرير، **جامع البيان**، بيروت، دارالمعرفة، ١٤١٢ق.
- ٢٧- طوسى، محمد بن حسن، **التبيان**، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
- ٢٨- عاملى، جعفر مرتضى، **الصحيح من سيرة النبى**، بيروت، الهادى، ١٤١٥ق.
- ٢٩- فراء، يحيى بن زياد، **معانى القرآن**، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٩٨٠م.
- ٣٠- فسوى، يعقوب بن سفيان، **المعرفة والتاريخ**، بيروت، مؤسسة الرساله، ١٤٠١ق.
- ٣١- قمى، على بن ابراهيم، **التفسير**، تحقيق طيب موسوي جزايرى، قم، دارالكتاب، ١٣٦٣ش.
- ٣٢- مسعودى، على بن حسين، **مروج الذهب**، قم، مؤسسة دارالهجره، ١٤٠٩ق.
- ٣٣- معرفت، محمد هادى، **التمهيد فى علوم القرآن**، قم، حوزة علميه قم، ١٤١٠ق.
- ٣٤- مقرىزى، احمد بن على، **إمتاع الأسماع**، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٢٠ق.
- ٣٥- واقدى، محمد بن عمر، **المغازى**، بيروت، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، ١٤٠٩ق.
- ٣٦- يحيى بن سلام، **التفسير**، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٢٥ق.
- ٣٧- يعقوبى، احمد بن اسحاق، **التاريخ**، بيروت، دار صادر.

Bibliography

- 1_ The Holy *Qur'an*.
- 2_ Aḥmad Ibn Ḥanbal, *Al-Musnad*, Cairo, Dār al-Ḥadīth, 1416 AH.
- 3_ Ālūsī, Maḥmūd ibn 'Abd Allāh, *Rūḥ Al-Ma'ānī fī Tafsīr Al-Qur'an Al-'Azīm wa Al-Sab' Al-Mathbānī*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah, 1415 AH.
- 4_ 'Āmili, Sayyid Ja'far Murtaḍā, *Al-Ṣaḥīḥ min Sīra Al-Nabī Al-A'zam*, Beirut, al-Hādī, 1415 AH.
- 5_ Balādhurī, Aḥmad b. Yaḥyā, *Ansāb Al-Asbrāf*, Beirut, Dār al-Fikr, 1417 AH.
- 6_ Bayhaqī, Aḥmad b. Ḥusayn, *Dala'il al-Nubuwwa*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmiyya, 1405 AH.
- 7_ Bukhārī, Mūḥammad b. Ismā'īl, *Al-Jāmi' al-Saḥīḥ*, Cairo, Dār Ṭawq al-Najāt, 1422 AH.
- 8_ Dhahabī, Shams Al-Dīn, *Tārīkh Al-Islām wa Waḥyāt Al-Masbāb wa Al-A'lām*, Beirut, Dār al-Kitāb al-'Arabī, 1409 AH.
- 9_ Farrā', Yaḥya b. Zīyād, *Ma'ānī Al-Qurān*, Egypt, al-Hey'at al-Miṣriyya al-'Āmma lil Kitāb, 1980.
- 10_ Fasawī, Ya'qūb b. Sufyān, *Al-Ma'rifa wa Al-Tārīkh*, Beirut, al-Risāla, 1401 AH.
- 11_ Ḥeydarī, Najme & Diyārī Bīdgolī, MoḥammadṬaqī, "Methodology for the Historical Criticism of the Hadiths about the Motives of Qur'anic Verses", *Ketāb Qayyem*, Volume 12, Issue 27, September 2022.
- 12_ Ibn 'Abd Al-Bar, Yūsuf b. 'Abdullāh, *Al-Istī'āb fī Ma'rifat Al-Aṣḥāb*, Beirut, 1412 AH.
- 13_ Ibn Abī Zamaniyn, Muḥamad b. 'Abdullāh, *Tafsīr Ibn Abī Zamaniyn*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmiyya, 1424 AH.
- 14_ Ibn 'Asākir, 'Alī b. Ḥasan, *Tārīkh Dimashq(History of Damascus)*, Beirut, Dār al-Fikr, 1415 AH.
- 15_ Ibn Athīr, 'Alī b. Muḥammad, *Usd Al-Ghāba*, Beirut, Dār al-Fikr, 1409 AH.
- 16_ Ibn Athīr, Mubarak b. Muhammad, *Al-Mukbtar min Manāqib al-Akhyār*, Al-'Ayn, Zayed Center for Heritage and History, 1424 AH.

- 17- Ibn Hajar 'Asqalānī, Aḥmad b. 'Alī, *Al-Iṣāba fī Tamyīz Al-Ṣaḥāba*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmīya, 1415 AH.
- 18- Ibn Hishām, 'Abd Al-Malik, *Al-Sirab Al-Nabawīyyah*, Beirut, Dār al-M'rifā, no date.
- 19- Ibn Jawzī, 'Abd Al-Raḥmān b. 'Alī, *Al-Montazam fī Tārīkh Al-Umam wa Al-Mulūk*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmīya, 1412 AH.
- 20- Ibn Kathīr, Ismā'īl b. 'Umar, *Al-Bidāya wa Al-Nabāya*, Beirut, Dār al-Fikr, no date.
- 21- Ibn Sa'd, Muḥammad, *Al-Ṭabagḥāt Al-Kubrā*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmīya, 1410 AH.
- 22- Khalīfa b. al-Khayyāt, *Al-Tārīkh*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmīya, 1415 AH.
- 23- M'arefat, Moḥammad Ḥādī, *Al-Tambīd fī 'Ulūm Al-Qurān*, Qom, Qom Seminary, Management Center, 1410AH.
- 24- Maqrīzī, Aḥmad b. 'Alī, *Imtā' Al-Asmā'*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmīya, 1420 AH.
- 25- Mas'ūdī, 'Alī b. Ḥusayn, *Murūj Al-Zabab (The Meadows of Gold)*, Qom, Dār al-Hijra, 1409 AH.
- 26- Qummī, 'Alī b. Ibrāhīm, *Tafsīr Al-Qumī*, ed. Ṭayyib Mūsavī Jazāyirī, Qom, Dār al-Kitāb, 1363 SAH.
- 27- Samarqandī, Naṣr b. Muḥammad, *Tafsīr Al-Samarqandī Al-Musammā Bahr al-'Ulūm*, Beirut, Dār al-Fikr, 1416 AH.
- 28- Ṣan'ānī, 'Abd Al-Razzāq b. Hamam, *Tafsīr Al-Qur'ān*, Beirut, Dār al-Ma'rifa, 1411 AH.
- 29- Shāfi'ī, Muḥammad b. Idrīs, *Al-'Umm*, Beirut, Dār al-Ma'rifa, 1410 AH.
- 30- Suyūṭī, 'Abd Al-Raḥmān b. AbīBakr, *Al-Itqan fī 'Ulūm Al-Qur'ān*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Arabī, 1421 AH.
- 31- Suyūṭī, Jalāl Al-Dīn, *Lubāb Al-Nuqūl fī Asbāb Al-Nuzūl*, Beirut, Dār Al-Kutub Al-'Arabī, 2014.
- 32- Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr, *Jāmi' Al-Bayān*, Beirut, Dār al-Ma'rafa, 1412 AH.
- 33- Ṭabāṭabāyī, Muḥammad Ḥoseyn, *Al-Mizān fī Tafsīr Al-Qur'ān*,

- Beirut, al-A‘lamī lil Maṭbū‘āt, 1390 SAH.
- 34- Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan, *Al-Tibyān fī Tafṣīr Al-Qur‘ān*, Beirut, Dār Ihyā’ al-Turāth al-‘Arabī, no date.
- 35- Wāqidī, Muḥammad b. ‘Umar, *Al-Magbāzī*, Beirut, al-A‘lamī lil Maṭbū‘āt, 1409 AH.
- 36- Yaḥya b. Sallām, *Tafṣīr Yaḥya b. Salām*, Beirut, Dār al-Kutub al-‘Ilmīya, 1425 AH.
- 37- Ya‘qūbī, Aḥma b. Ishāq, *Tārīkh Al-Ya‘qūbī*, Beirut, Dār Ṣādir.